

نگاه **فاطمه موسوی**؛ تاریخ‌پژوه

مرجع‌اعلای شیعه و ارتقای عمرانی شهر قم

یادگارهایی به گستردگی تاریخ

زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی، در سال ۱۳۲۴ش و درپی دعوت علما و مدرسان نامدار حوزه علمیه قم، به‌ویژه امام خمینی (ره)، به این شهر مهاجرت کرد و رسماً مرجعیت‌اعلارا برعهده گرفت. ایشان در مدت حضور در شهر قم، منشأ خدمات بسیاری در ارتقای عمرانی آن شدند. به‌عنوان نمونه در سالل ۱۳۲۹ش، که وضع آب قم تغییر کرد و امکان استفاده از آن کم و کمتر می‌شد، آیت‌الله بروجردی دستسور حفر ۲۰ عدد چاه را در این شهر داد. آن بزرگ همچنین تجار و صاحبان ثروت شهر را به خانه خود دعوت کرد و از آنها برای آبادی شهر کمک خواست. به درخواست ایشان، روند فقرزدایی از شهر به انجام رسید و برای رفع محرومیت از آن برخی کارخانه‌هاازجمله بافندگی ایجاد شدند. تلاش آیت‌الله بروجردی در راستای فقرزدایی از قم، به‌گونه‌ای بوده که باغ آری خود در بروجرد را در حدود ۴هزار تومان فروخت و قیمت آن را خرج تهیه گندم و نان برای فقرای قم کرد. همچنین در زمان وقوع سیل در این شهر، حوزه ره مردم را برای کمک به آسیب‌دیدگان بسیج کرد و شخصاً در میان سیل‌زدگان حاضر شد تا بر روند امدادسانی نظارت کند. آیت‌الله همچنین برای رف مشکل کمبود مراکز درمانی در شهر قم، ۲۰هزار متر زمین خریداری کرد و بیمارستانی را در خیابان آذر، از ثلث ماترک اموال میرزا حاج علی‌اکبر نکویی بنا نهاد که تا هم‌اینک برقرار و در حال ارائه خدمت به مردم است.

از اقدامات مهم آن مرجع‌اعلای جهان تشیع، ساخت مسجد اعظم قم بود که این بنااز آثار دینی باعظمتی است که در شهر قم قرار دارد. آیت‌الله بروجردی بر این‌بن باور بود که در جوار حرم حضرت معصومه(س)، باید مسجدی هم‌شان با مسجد گوهرشاد نسبت به بارگاه حضرت امام(رضاع) وجود داشته باشد. ایشان با خرید خانه‌های شخصی و مسافر‌خانه‌هایی که در اطراف آستانه قرارداشتند، این مسجد را در سال ۱۳۳۷ش، بنا نهاد. هزینه‌های ساخت این مسجد که از شاکارهای معماری حاج محمدحسین لرن‌زاده بود، توسط شخص آیت‌الله بروجردی و کمک‌های مردمی تأمین شد. بسیاری از شاگردان آیت‌الله در ایام تبلیغ، مردم سراسر نقاط ایران را، در جریان تصمیم مرجعیت برای بنای چنین مسجدی قرار دادند و این بنای پرشکوه، با مشارکت پراکنگیزه جمع زیادی از مردم مومن و علاقه‌مند ایجاد شد. تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ در ضلع غربی مسجد، از دیگر اقدامات مؤسس بزرگ آن محسوب می‌شد.

در زمان حیات آیت‌الله، مخزنن این کتابخانه، مجموعاً دارای ۱۰هزار جلد کتاب بود، که بس مورداقبال طلاب و علاقه‌مندان به مطالعه قرار داشت و بعدها توسعه یافت. تذکار بدین نکته نیز بی‌مناسبت نیست که از دیگر یادگارهای آیت‌الله بروجردی، ترمیم و توسعه کتابخانه مدرسه فیضیه قم بود که تا پایان حیات وی بیش از ۵هزار جلد کتاب بر تعداد آن افزودند. این کتابخانه نیز هم‌اینک در زمره شاخص‌ترین کتابخانه‌های حوزه قم قرار دارد.



آیت‌الله‌العظمی سیدحسین طباطبایی بر و جردی در بازدید از عملیات احداث مسجد اعظم قم

هجرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی به قم، حوزه علمیه پرقدمت این شهر را به اوج بالندگی علمی و شکوفایی رساند، به‌گونه‌ای

که اغلب مراجع امروز این حوزه، حاصل بسترسازی علمی آن بزرگ در آن دوره به شمار می‌روند

در دوره‌ای که از آن سخن می‌گوییم به دلیل افزایش تعداد طلاب علوم دینی، مدارس علمیه قم از گنجایش کافی برای پذیرش مصلان جدید برخوردار نبود. یکی از اقدامات مهم آیت‌الله بروجردی برای حل این معضل، تعمیر و مرمت مدرسه رضویه بود که به مرور زمان به‌صورت بنایی مخروبه می‌نمود.

علاوه بر این، ایشان در سال ۱۳۳۹ش، بنای مدرسه خان را که در سال ۱۱۳۳ق به‌دست مهدیقلی خان ساخته شده بود و در ضلع شرقی میدان آستانه حضرت معصومه(س) و جنب بازارچه معروف گذران قرار داشت تخریب و مجدداً احداث کردند. بنای جدید ۵۹ حجره، ۵۹ حجره، گنجایش دربرگرفتن ۱۰۰اطلبه را داشت.

در یک کلام باید اذعان داشت که هجرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی به قم، علاوه بر اینکه حوزه علمیه پرقدمت این شهر را به اوج بالندگی علمی و شکوفایی رساند، به‌گونه‌ای که اغلب مراجع امروز این حوزه، حاصل بسترسازی علمی آن بزرگ در آن دوره به شمار می‌ویند، برای زیرساخت‌های نسبتاً پرسوده و مردمان این شهر نیز آورده‌های فراوانی داشت که اغلب آنها تا هم‌اینک به حیات خود ادامه می‌دهند و حتی پس‌فراز از شکل اولیه خویش، توسعه یافته‌اند.

روحش شاد و یادش گرامی باد.
منبع:محمدحسین ناصرالشریعه، تاریخ قم، تهران، رهنمون، ۱۳۸۳ش، صص ۴۰۸، ۴۱۳، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۴.



پایمردی مرجعیت در برابر قدرت‌نمایی فرقه‌ای وابسته

آیت‌الله‌العظمی سیدحسین بروجردی و مواجهه با بهائیت در مقطعی خطیر

مریم صادقی‌یری روزنامه‌نگار

موسم اکتون، یادآور چند رویداد تاریخی است، اول: سالروز رحلت آیت‌الله‌العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی، دوم: سالروز رحلت حجت‌الاسلام والمسلمین محمد تقی فلسفی وسوم: سالروز مبارزه هر دو چهره نامور با فرقه بهائیت. مقاله پی آمده، تذکاری است در باب موضوع سوم، که از فرازهای شاخص تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌رود. امید آنکه مفید آید.

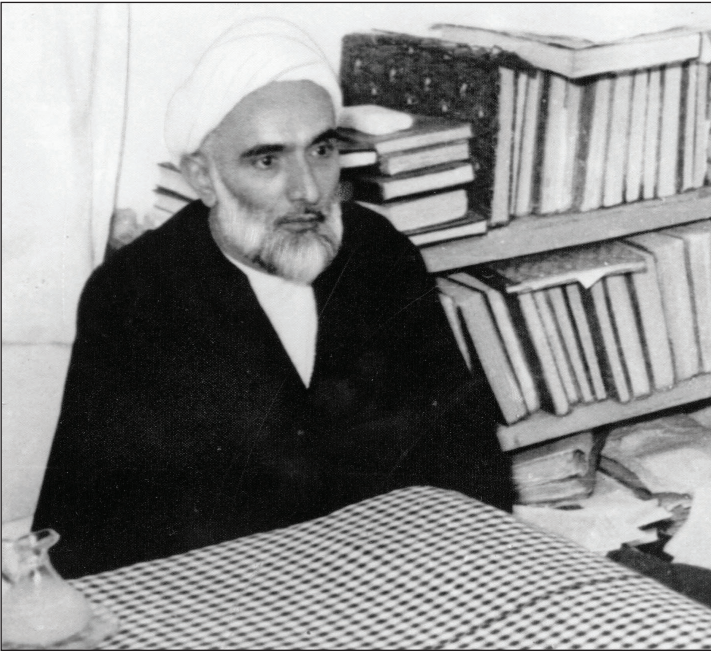
پس از شهر یور ۱۳۲۰ و اضمحلال سلطنت استبدادی رضاخان، فرصتی فراهم شد تا علما و مراجع، به زدودن آثار زینبار سیاست‌های فرهنگی قزاق و مبارزه باحزاب و جریان‌های انحرافی، نظیر مارکسیسم، بهائیت و کسروی گرای بریزانند. در این اوضاع و احوال، ایشان که بر اثر فشارهای دوران حاکمیت پهلوی اول، از نفوذ سابق خویش برخوردار نبودند و نیرویی برای اجرای فتاوی جهادی خویش نداشتند، سعی کردند به‌جای مواجهه با اشغالگران خارجی، به مقابله با فعالیت‌ها و تبلیغات ضددینی گروه‌های داخلی روی آورند و از فرصت به‌دست آمده پس از اخراج شاه، برای احیا و تقویت اسلام و روحانیت استفاده کنند. بابت بهائیت ازجمله جریان‌های انحرافی بودند که با همدستی روس و انگلیس، در ایران به‌وجود آمدند و رهبران آن، ادعاهای عجیبی از نیابت خاصه امام عصر(عج) تا قاضیت، پیامبری و حتی خدایی را مطرح کردند؛نفوذ بهائیان در سطوح اداری کشور که از عصر مشروطه آغاز شده بود، در زمان سلطنت رضاخان ادامه یافت و روز به روز، به مناصب کلیدی بیشتری دست یافتند. این امر که با تبلیغات اسلام‌ستیزانه و فرقه‌ای همراه بود، موجب رنجش و نگرانی علما و مردم‌متدین شد.

آیت‌الله‌العظمی بروجردی و پیشینه وی در مواجهه با بهائیت

یکی از عالمان‌نموری که نقشی پررنگ در مقابله‌بااین جریان‌انحرافی داشت، آیت‌الله‌العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی بود. در مقطعی که آن بزرگ پس از سال‌ها تحصیل در حوزه‌های علمیه اصفهان و نجف، به بروجرد بازگشت، به تدریس و امامت‌جماعت و حل و فصل امور شرعی مردم مشغول شد. وی در آن دوره، با تبلیغات بهائیان در این شهر مواجه شد. به نوشته حجت‌الاسلام والمسلمین علی دوانی: «در سال‌هایی که فرقه ضاله بهائی، فعالیت خود را در بروجرد، به‌خصوص در ادارات دولتی تشدید کرده بود، معظم‌له مجدانه به مقابله پرداختند. سعی ایشان در ابتدای امر بر این بود تا‌ساز راه‌های قانونی جلوی فعالیت‌های آنها را که روزبه‌روز بیشتر می‌شد و حتی تا بدانجا رسیده بود که یکی از مدارس دینی شهر اا تخریب و به‌جای آن دبیرستانی بنا نهادند. سد کنند، ولی زمانی که بی‌توجهی و مسامحه مرکز را در این مورد مشاهده کردند، خود مستقلاًدست به‌کار شده و به‌عنوان اعتراض به این امر، از شهر خارج شدند. خبر عزیمت ایشان، در اندک مدتی مردم شهر و نواحی را، به تظاهرات و اجتماع در تلگرافخانه واداشت. دولت پس‌ازمشاهده این اوضاع، احساس خطر کرد و سعی در مراجعت ایشان به شهر می‌نماید. به‌زودی محافل و مجالس آشکار بهائی‌ها تعطیل و افراد منحرف، از ادارات شهر منتقل می‌شوند و ایشان با‌اعزاز تمام، به شهر مراجعت می‌نمایند…»

آیت‌الله بروجردی در ماه رمضان همان سال (۱۳۳۵ق) یک ماه به منبر رفت و پیرامون مهدویت امام‌زمان(عج) با استناد به احادیث شیعه و اهل سنت ورد نظرات بهائیان، به‌گونه‌ای مستدل سخن گفت. پس از ورود به قم نیز با اشاره به روشی که در ارائه مباحث بر ضدبهائیان در بروجرد داشت، به‌شاگردش آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی توصیه کرد که کتابی درباره امام زمان(عج) بنویسد.براساس همین روش مبارزه بود که در سال ۱۳۳۸ش، شاگرد دیگری

تاریخ



پایمردی مرجعیت در برابر قدرت‌نمایی فرقه‌ای وابسته

آیت‌الله‌العظمی سیدحسین بروجردی و مواجهه با بهائیت در مقطعی خطیر

ریشه دوانیده بودند، غیرقانونی اعلام نماید. اوج منازعات روحانیت و دولت بر سرر موضوع بهائیت، در سال ۱۳۳۴ش روی داد که افزون بر درگیر شدن آیت‌الله بروجردی و حجت‌الاسلام فلسفی شده؛ «وقتی کتاب مهدی موعود را به ایشان دادم، به‌قدری خوشحال شد که حد نداشت. پیوسته آن را می‌خواندند و بعد از مطالعه هم، در طاقچه پشت سرشان می‌گذاشتند. اغلب شب‌های ماه رمضان را، به مطالعه آن مشغول بودند و به شام‌عامی می‌کردند و می‌گفتند: بسیار خوب ترجمه و چاپ شده است…»

شرازت بهائیان، در شهرهای گوناگون ایران
اعتراضات و مخالفت علما و روحانیون با بهائیان، زمانی اوج گرفت که از ولایت‌ها و شهرستان‌ها، مرتباً در مورد فعالیت شدید بهائیان و اهانت‌های آنها به مقدسات اسلام، نامه‌هایی به‌دست علما می‌رسید. در سال ۱۳۳۲ش و در نشریه «آیین اسلام» مطبوعی درخصوص اینکه بهائی‌ها در زاهدان، کتاب‌های اسلami را می‌سوزانند و به‌جای آن کتب «فصص خارجی و کتب ضاله» را در انظار منتشر می‌کنند، چاپ شد و نیز نامه‌ای از سوی برخی شخصیت‌های شهر قم درج گردید، که در آن آمده بود: «چون عده‌ای از بهائیان در قم مشغول تبلیغات و توهین به مقدسات اسلام شده‌اند و این عمل موجب بغض و نگرانی شدیدی در روحیه اهالی شد، بدیهی است که این موضوع مخالف با آرامش و باعث انقلاب مردم است…» در ۱۷مرداد ۱۳۳۳ش، فعالیت نفوذ بهائیان در ادارات دولتی شهر شارهود، منجر به درگیری میان مخالفان و موافقان آن شد، که فوت یک مسلمان را به همراه داشت. در ۱۳دی‌ماه ۱۳۲۸ش، در ابرقو واقعه‌ای روی داد که طی آن بهائیان یک خانواده مسلمان را قتل‌عام کردند که منجر به قتل یک زن و ۵کودک مسلمان شد. جسارت‌های بهائیان تا آنجا کشید که به‌گفته دکتر شمس‌الدین جزایری، وزیر فرهنگ رزم‌ار، احمد یزدانی مبلغ بهائی و مؤلف کتاب نظر اجمالی در دیانت بهائی، «طی نامه‌ای به آیت‌الله بروجردی، ایشان را دعوت به پذیرش بهائیت کردا

آیت‌الله بروجردی پس از یک سلسله مکاتبات و پیام‌های شخصی برای نخست‌وزیران وقت و دیگر مقامات، هنگامی که بی‌تفاوتسی آنها را به آن مسئله احساس کرد و حتی متوجه ارتباط بهائیان با مقامات دولتی شد، مذاکره با مقامات مملکتی را «لغو و بیهوده» دانست. این مسئله در نامه‌ای که به حجت‌الاسلام فلسفی ارسال کرده‌اند، به خوبی نمایان است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم. به عرض می‌رساند، مرقوم شریف‌اصل گردید. جوابی که داده‌اند، دال بر این



پس از کودتای ۲۸مرداد۱۳۳۲ با افزایش قدرت آمریکا و انگلیس در ایران، نفوذ بهائیان در دستگاه‌های دولتی گسترش یافت تا آنجا که عبدالکریم ایادی (از خانواده قدیمی و منتفذ بهائی)، پزشک مخصوص و محرم اسرار شاه شد.

حسین فردوست با ارائه اطلاعات ارزشمندی راجع‌به میزان نفوذ و قدرت او در دربار، دولت و ارتش پهلوی، او را «سلطان واقعی و بدون تاج و تخت»

و در «راسپوتین ایران» می‌نامد که بیش از ۸۰سختل پولساز داشت!

عبدالکریم ایادی، بهائیت‌پهلوی

مخالف تاکتیکی پهلوی دوم با بهائیان را، به هیچ روی نباید جدی تلقی کرد؛ زیرا پس از فروکش کردن شور و احساسات مردم مسلمان، ارتباط شاه با بهائیان بیش از پیش گردید. کتر ایادی نیز پس از ۹ماه اقامت در ایتالیا، به ایران بازگشت و قدرت‌ش در دستگاه دولتی، دربار و ارتش افزون شد. آیت‌الله بروجردی نیز، هرچند از سال‌ها پیش دریافته بود که رژیم پهلوی به‌دلیل نفوذ بهائیان در دستگاه‌های دولتی و وابستگی رژیم به قدرت‌های خارجی، جرأت مقابله جدی بسا بهائیان را ندارد و چنان‌که در نامه‌نگاری‌های خود آورده بود، از دولت مایوس شده بود، اما مبارزه شخصی خود را با بهائیان تا پایان حیاتش ادامه داد و این مبارزه، همچنان از دغدغه‌های اصلی او به‌شمار می‌رفت. «منابع در سرویس تاریخ مشهوری موجود است.

یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱
شماره ۸۴۷۱

۳۳

تاریخ‌پیداری

سرباز روز نهم

کتاب «سرباز روز نهم»؛ روایتی از زندگی و زمانه بسیجی مدافع حرم شهید مصطفی صدرزاده، به قلم نعیمه منتظری است که توسط انتشارات «راه یار» چاپ و راهی بازار نشر شد. در بخشی از مقدمه این کتاب که نگارش آن، نزدیک به ۶سال طول کشیده است، چنین می‌خوانیم: «کتاب پیش‌رو

حاصل زندگی مجاهدانه و خستگی‌ناپذیر شخصی است که می‌تواند در دوره حاضر، بی‌شک الگویی دست‌یافتنی باشد. او که از سال ۱۳۹۲ با ده‌ها ترندفد پایش را به سوره با می‌کند، ظرف ۱سال از چهره‌های محبوب و مؤثر مدافعان حرم می‌شود؛ تا جایی که سردار شهیدسلیمانی را به تمجید وامی‌دارد. در این کتاب سعی کردیم شهید و زندگی‌اش را انطور که می‌تواند در میدان زندگی اجتماعی مردم الگو شود، نشان دهیم و نه صرفاً روایتی موارایی و صرفاً معنوی و احساسی از شهیدتسیم کنیم. شاید گشتی در زندگی نامه‌ها و خاطرات شهدا انطور که نشر شده‌اند ما را به این رهنمون کرد که «لملوس و واقعی تصویر کنیم، نه دست‌نیافتنی!» در بخش‌های مختلف این کتاب، علاوه بر استفاده از تصاویر آرشیوی درباره فعالیت‌های مختلف شهیدمصطفی صدرزاده، قسمتی از فیلم‌های موجود نیز به‌صورت QRکد درج شده است. کتاب «سرباز روز نهم»؛ روایتی از زندگی و زمانه شهید مدافع حرم مصطفی صدرزاده که پژوهش و مصاحبه آن برعهده محمدمهدی رحیمی، پریسا وزیر لو، فرزانه مردی و تدوین آن برعهده نوید نوروزی و پریسا وزیرلو بوده و بازنویسی کتاب توسط نعیمه منتظری صورت گرفته است، در ۳۲صفحه، جلد گالینگور، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با قیمت ۱۲۰هزار تومان توسط انتشارات «راه یار» منتشر شده است.

دوره ۳۰ قیوم حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی، در کنار آیت‌الله‌العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی

دولت آ مشاهده می‌شود بر آنها، فقط و فقط تظاهر و اغفال است نه حقیقت و این دستگاہ با آلت صرف و متحرک و بدون اراده و اختیار است یا به غلط مصلحت مملکت را در تقویت و موافقت منویات اینها تشخیص داده یا بعضی چرخ‌های آن، مصلحت شخصی خود را بر مصلحت مملکت ترجیح می‌دهد. به هر تقدیر مذاکرات ابا دولت در این موضوع را، لغو و بیهوده می‌بینیم…»

دولت آ مشاهده می‌شود بر آنها، فقط و فقط تظاهر و اغفال است نه حقیقت و این دستگاہ با آلت صرف و متحرک و بدون اراده و اختیار است یا به غلط مصلحت مملکت را در تقویت و موافقت منویات اینها تشخیص داده یا بعضی چرخ‌های آن، مصلحت شخصی خود را بر مصلحت مملکت ترجیح می‌دهد. به هر تقدیر مذاکرات ابا دولت در این موضوع را، لغو و بیهوده می‌بینیم…»

داستان تاریخی

سفر پرماجرا

کتاب «سفر پرماجرا» نوشته ایلا دارابی، اثری داستانی با گریز به برهه‌ای از تاریخ است که اخیراً از سوی نشر صاد چاپ و منتشر شده است.

این کتاب ماجراهای زندگی پسری بنام نیما را روایت می‌کند که مجبور است با دوفقر از همکلاسی‌هایش که رابطه خوبی هم با آنها ندارد، فصولی از درس‌شان را برای یک نمایش در آمفی تئاتر مدرسه آماده کنند. موقع تمرین اتفاقی می‌افتد و هر سه چشم‌باز می‌کنند و می‌بینند از زمان صفویه سرگرد آورده‌اند. کتاب «سفر پرماجرا»، مخاطبان خود را، به خاک شاعباس صفوی می‌برد تا کخی بزرگ با یک شاه عصبانی، نیما و سپهر و امیرعباس به‌واسطه اتفاقی روبروی حلیای آن سسه ظاهر می‌شوند. او که دلس می‌خواهد شبانی آن سسه نوجوان با ظاهر عجیب را که فکر می‌کند جاسوس هستند اذیت‌وآزار کند ماجراهای زیادی برای آنها ایجاد می‌کند. این داستان با بازگیری‌های ذهنی نیما شروع می‌شود که مشکل گفتاری دارد و دلش نمی‌خواهد جلوی بقیه‌ها نمایش اجرا کند ولی با توجه به اجبار آقای باوری برای انجام یک کار گروهی خود را در یک چالش سخت می‌بیند. خواندن این کتاب برای مخاطبان ماجراجو و علاقه‌مند به تاریخ خالی از لطف نیست. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «این پارچه نسخه‌ای برایش پیچیده بودند؟ خسته شده بود پس مادرش هر راهی را‌متحان می‌کرد تا از او چیزی مثل بقیه‌بسازد.»

دوره ۳۰ قیوم حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی، در کنار آیت‌الله‌العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی

دولت آ مشاهده می‌شود بر آنها، فقط و فقط تظاهر و اغفال است نه حقیقت و این دستگاہ با آلت صرف و متحرک و بدون اراده و اختیار است یا به غلط مصلحت مملکت را در تقویت و موافقت منویات اینها تشخیص داده یا بعضی چرخ‌های آن، مصلحت شخصی خود را بر مصلحت مملکت ترجیح می‌دهد. به هر تقدیر مذاکرات ابا دولت در این موضوع را، لغو و بیهوده می‌بینیم…»

دولت آ مشاهده می‌شود بر آنها، فقط و فقط تظاهر و اغفال است نه حقیقت و این دستگاہ با آلت صرف و متحرک و بدون اراده و اختیار است یا به غلط مصلحت مملکت را در تقویت و موافقت منویات اینها تشخیص داده یا بعضی چرخ‌های آن، مصلحت شخصی خود را بر مصلحت مملکت ترجیح می‌دهد. به هر تقدیر مذاکرات ابا دولت در این موضوع را، لغو و بیهوده می‌بینیم…»

تاریخ بیهقی

کتاب «تاریخ بیهقی» به‌قلم مژگان شیخی یکی از آثار منتشر شده ذیل مجموعه «قصه‌های ششیرین ایرانی» است. نگارنده این اثر را باقتباس از کتاب مشهور ابوالفضل بیهقی، به شیوه‌ای کتاب منون کلاسیک به دور باشد. کتاب تاریخ

بیهقی، نوشته ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی است که به تاریخ پادشاهی خاندان غزنوی می‌پردازد. حال مژگان شیخی در کتاب خود که به‌همین عنوان و اقتباس از این اثر تألیف کرده با زبانی شیوا به بیان چند داستان از تاریخ بیهقی می‌پردازد. حکایت بردار کردن حسنگ وزیر، آمدن حسن میمندى به بلخ، داستان هارون‌الرشید و یحیی برمکی و مرگ خواجه احمد میمندى از جمله داستان‌های منتخب این کتاب هستند. تاریخ بیهقی که یکی از کتاب‌های مجموعه قصه‌های شیرین ایرانی است، به‌شما این فرصت را می‌دهد که بدون مواجهه با پیچیدگی‌های زبانی و متن دشوار یک اثر کهن، به مطالعه آن بپردازید. مجموعه قصه‌های شیرین ایرانی، شامل مهم‌ترین متون کلاسیک ادبیات فارسی است که بازنویسی شده و باثیری روان در اختیار مخاطبان نوجوان قرار گرفته است. از میان دیگر آثار مجموعه قصه‌های شیرین ایرانی می‌توان به هزار و یک شب، هفت اورنگ، مثنوی معنوی و کلیله و دمنه اشاره کرد. در بخشی از کتاب تاریخ بیهقی می‌خوانیم: «حسنگ را دستگیر کردند و به زندان بردند. بعد هم او را از شهر بنیست به هرات آوردند. بوسهل زونی، مشاور سلطان مسعود، او را به توک خوش، علی راضی، سپید، به او گفت تا می‌تواند، حسنگ را اذیت کند؛ خارو و خفیش کند. کسسی به بوسهل چیزی نمی‌گفت و مؤاذذه‌ای در کار نبود…»